

# بررسی نهج البلاغه

## ترجمه محمد دشتی

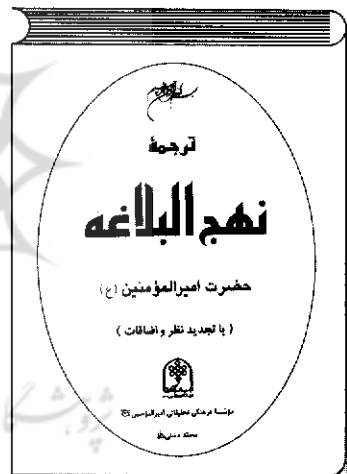
• بخشعلی قنبری\*

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

بودن و سادگی مفاهیم و نیز فهرست‌های موضوعی مختلف و عنوان‌بندی‌های مطالب نهج البلاغه است که مترجم (ره) مساعی خود را به کار بسته است تا این کارها تحقق یابد. این مقاله بر آن است که با بررسی این ترجمه، مزایا و کاستی‌های آن را برشمرد تا خوانندگان را در ارزیابی ترجمه‌های نهج البلاغه یاری کند.

زندگی‌نامه مترجم: مرحوم محمد دشتی در ۱۳۳۰ در روستایی به نام آزادمون، از توابع شهرستان محمودآباد، متولد و در پنج سالگی به مدرسه وارد شد و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به اتمام رساند. در ۱۳۴۲، به پیشنهاد بزرگان روستا و با توجه به علاقه شدید ایشان نسبت به علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه شد و در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) به فراگیری علوم حوزوی پرداخت. در سال ۱۳۴۳ وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) به تحصیل مشغول شد. وی سپس در مدارس رضویه و فیضیه تحصیلات خود را ادامه داد. دروس خارج فقه را در خدمت حضرت آیت الله مشکینی (کتاب حدود و دیات) و حضرت آیت الله جوادی آملی (متاجر) و حضرت آیت الله مکارم شیرازی (صلوة) و یک دوره اصول را در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی (قدس سره)، فلسفه در محضر آیت الله حسن زاده آملی (شرح اشارات) و حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله محمدی گیلانی (الاسفار الاربعه) و آیت الله حقی (شرح منظومه سبزواری) فراگرفت.

روش تحقیق و نویسندگی را ابتدا در محضر شهید مفتاح (قدس سره) و سپس حضرت آیت الله سبحانی و شهید محمد مصطفوی کرمانی (قدس سره) در سال‌های ۵۰ تا ۵۷ آموختند. مرحوم دشتی نهج البلاغه را محور تحقیقات خود قرار داده بود (همان، ص ۲-۳). سرانجام مرحوم محمد دشتی در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۵ در اثر سانحه رانندگی دچار صدمات شدیدی شد و پس از گذشت ده روز دارفانی را وداع گفت.



■ نهج البلاغه

■ ترجمه محمد دشتی

■ انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول ۱۳۸۲

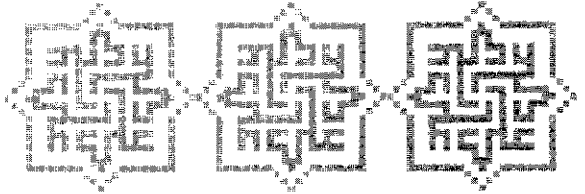
از نهج البلاغه ترجمه‌های بسیاری در دسترس است، یکی از آنها ترجمه مرحوم محمد دشتی است که از زمان نخستین چاپ در ۱۳۷۶ (پایان کار ترجمه) تا کنون بارها تجدید چاپ شده است. این ترجمه، با حمایت نهادهای دولتی و مؤسسات فرهنگی در سطح گسترده‌ای چاپ و منتشر شده است و در تمام مراکز و مؤسسات و مساجد وجود دارد. در مناسبت‌های گوناگون، این ترجمه تهیه و به رایگان در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفته است. از این رو شاید جزو اندک ترجمه‌هایی باشد که در دسترس همگان قرار دارد. البته یکی از علل این اقبال روان

مبانی اعتقادی؛

- (۲۱) آوردن آدرس آیات قرآن (در پاورقی)؛  
 (۲۲) آوردن برخی از اشعار ضروری؛  
 (۲۳) آوردن مدارک بعضی از احادیث موجود در کتاب؛  
 (۲۴) آوردن آمار و ارقام ضروری؛  
 (۲۵) اشاره به نقد مکاتب رایج در پاورقی؛  
 (۲۶) جدول اختلاف نسخه‌های مختلف نهج البلاغه؛  
 (۲۷) تصحیح آدرس‌ها و کلمات در ترجمه و فهرست. همچنین، مترجم اشاره می‌کند که شماره‌های این نسخه (نسخه المعجم المفهرس دشتی) با نسخه‌های زیر مطابقت دارد:  
 (۱) شرح و ترجمه نهج البلاغه، آیه‌الله محمد تقی جعفری (قدس سره)؛  
 (۲) شرح و ترجمه نهج البلاغه، میرزا حبیب‌الله خونی؛  
 (۳) ترجمه نهج البلاغه قرن پنجم، به تصحیح حویزی؛  
 (۴) ترجمه نهج البلاغه، دکتر اسدالله میشری؛  
 (۵) ترجمه نهج البلاغه، سپهر خراسانی؛  
 (۶) ترجمه نهج البلاغه، امامی و آشتیانی (زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی)؛  
 (۷) ترجمه نهج البلاغه، شریعت؛  
 (۸) ترجمه نهج البلاغه، دکتر شهیدی.  
 مترجم به نقائص ترجمه‌های دیگر اشاره می‌کند و انگیزه خود را از این ترجمه رفع آن نقائص، ارائه ترجمه‌ای جامع، رعایت پیام‌رسانی و حفظ امانت ذکر می‌کند (ص ۹). وی مفاهیم نهج البلاغه را به دو بخش تخصصی و فوق تخصصی تقسیم می‌کند (ص ۱۱-۱۳). آنگاه به چگونگی آشنایی خود با نهج البلاغه و نقش مؤثر شهید مفتاح اشاره کرده است (ص ۱۵). اما نبود فهرست و پژوهش جامع وی را به تهیه معجم المفهرس نهج البلاغه برمی‌انگیزد (ص ۱۹).  
 فهرست موضوعی نهج البلاغه که به صورت الفبایی تنظیم شده از

معرفی اجمالی

- مرحوم دشتی در مقدمه نسبتاً مفصل کتاب، به ویژگی‌های این ترجمه اشاره کرده است (ص ۱-۴):  
 (۱) عنوان دادن به مفاهیم نهج البلاغه (۲۷۳۰ عنوان) در متن عربی و فارسی؛  
 (۲) نامگذاری خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها (۱۵۰۰ عنوان)؛  
 (۳) اشاراتی به علوم و فنون روز؛  
 (۴) عمومی بودن ترجمه؛  
 (۵) رعایت اصلی پیام‌رسانی در ضرب‌المثل‌ها؛  
 (۶) تفسیر صحیح متشابهات و عبارات‌های مشکل؛  
 (۷) آوردن نکات تاریخی و جغرافیای اماکن در پاورقی؛  
 (۸) آوردن اسامی اشخاص و اماکن در متن پاورقی؛  
 (۹) ثبت شأن صدور خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها؛  
 (۱۰) فهرست موضوعی، دارای حدود ۱۸۰۰۰ عنوان کلی و جزئی؛  
 (۱۱) آوردن توضیحات ضروری در متن و پاورقی؛  
 (۱۲) حل تضادهای ظاهری؛  
 (۱۳) آوردن اختلاف نسخه‌ها؛  
 (۱۴) شماره‌گذاری متن عربی؛  
 (۱۵) آوردن موضوعات کلی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها (مثل: سیاسی، اخلاقی، اقتصادی)؛  
 (۱۶) ترجمه توضیحات سید رضی با عنوان (می‌گوییم)؛  
 (۱۷) مشخص کردن مرجع ضمائر (هو، هم، آنهم، آنه) که مورد نظر امام بودند؛  
 (۱۸) مشخص کردن مخاطب‌های امام (علیه السلام) در نهج البلاغه؛  
 (۱۹) تفسیر صحیح عبارات عام و خاص، مطلق و مقید؛  
 (۲۰) تبیین صحیح اهداف امام (علیه السلام) در طرح ارزش‌ها و



نظریات، اساساً ترجمه واقعی نمی تواند تحقق خارجی داشته باشد، بلکه هر ترجمه، خود نوعی تفسیر است و ترجمه حاضر نیز تفسیری از نهج البلاغه است. پس از بیان این نکته باید بررسی کرد که به فرض تحقق چنین امری آیا این ترجمه موفق بوده است یا خیر؟ به نظر راقم این سطور، ترجمه حاضر نیز در موارد نسبتاً زیادی دقیق نبوده است.

نکته دیگری که مرحوم دشتی مطرح کرده این است که این ترجمه با همه مخاطبان نهج البلاغه ارتباط برقرار می سازد (ص ۲۰). این ادعا نیز همانند ادعای پیشین است. اساساً هیچ ترجمه ای نمی تواند همه مخاطبان را ارضا و اقناع کند. مرحوم دشتی مطالب نهج البلاغه را به دو دسته تخصصی و فوق تخصصی تقسیم کرده است. آیا مطالب فوق تخصصی را همگان درمی یابند؟ به علاوه خود امیر مومنان نیز به گونه ای سخن نگفته است که همگان بتوانند مخاطب آن باشند. آیا مفاهیم خطبه های ملاحم را همگان درمی یابند؟

آیا روی سخن خطبه یک نهج البلاغه با همگان است که مترجم در صد ارائه ترجمه ای است که همگان بتوانند مخاطب آن باشند؟! حقیقت آن است ادعاهای این ترجمه بیشتر شبیه به آرزو است تا اموری تحقق پذیر. چنین اموری تنها و تنها از معصومان امکان پذیر است و چگونه ممکن است انسان محدود ترجمه ای از سخن معصومی چون علی (علیه السلام) ارائه کند که این اهداف را مد نظر داشته باشد و آنها را متحقق سازد.

- الف) قابل فهم و درک برای عموم افراد جامعه باشد؛
- ب) به گروه خاصی از جامعه تعلق نداشته باشد؛
- ج) اصل پیام رسانی دقیقاً رعایت گردد؛
- د) از هرگونه رمز و اشاره و کنایه و کلی گویی اجتناب شود؛
- ه) مخاطب های امام (علیه السلام) آشکارا معرفی گردند؛
- و) توضیحات ضروری در متن یا پاورقی آورده شود؛
- ز) پیام ضرب المثل ها کشف، و به نسل معاصر شناسانده شود؛
- ح) مفاهیم نهج البلاغه در قالب هزاران عناوین زیبا و گویا ارائه شود؛

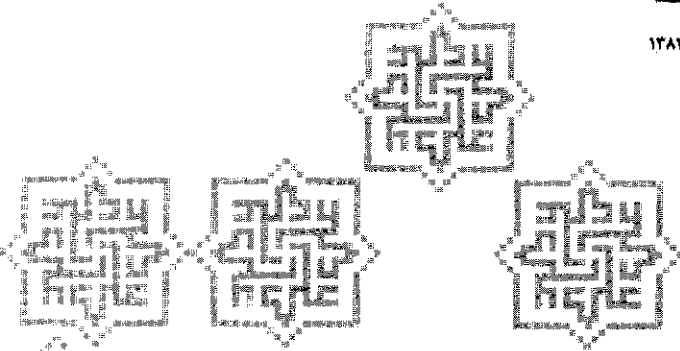
مترجم، به رغم ادعاهایی که کرده، از محقق ساختن این اهداف ناتوان بوده است. وی در جایی آورده است مطالبی از نهج البلاغه را تنها با فراگیری علوم مقدماتی حوزه های علمیه و آگاهی از اصول استنباط و شیوه های اجتهاد به ارزیابی گذاشته و حاصل تحقیقات عمیق و گسترده را در ترجمه گنجانده تا خواننده به آسانی پیام امام (ع) را

ویژگی های مهم این ترجمه است. هر چند این موضوعات بر اساس سلیقه و استنباط مترجم تنظیم شده است، این موضوع بندی می تواند دست کم حدود موضوعات مورد نیاز پژوهشگران را مشخص و محدود کند. نهج البلاغه حاضر در ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت تنظیم شده است.

#### نقد و ارزیابی

پیش از هر چیزی باید یاد آور شد که به اعتقاد مترجم تمام مطالب نهج البلاغه بی تردید از امام علی (ع) است. در حالی که در میان پژوهشگران چنین نظری در باب کلیت نهج البلاغه وجود ندارد. از نظر عالمان اصول و فقه نهج البلاغه جزو احادیث مرسله محسوب می شود و در استنباطات فقهی به لحاظ سندیت جایگاهی ندارد. عالمان اهل سنت نیز در این باب نظریات مختلفی دارند و برخی از خطبه های نهج البلاغه را از امام علی (ع) نمی دانند و برخی دیگر را به سایر امامان شیعه منتسب می کنند (بنگرید به تحقیق نهج البلاغه، صبری السید ابراهیم). نگارنده نیز درباره اصالت نهج البلاغه با مترجم هم عقیده و همانند او در صدد بسط و گسترش مفاهیم و فرهنگ این کتاب ارزشمند است. اما مقدمه پژوهشگرانه باید متبعا نه و همراه با ارائه اسناد و مدارک باشد که مقدمه مترجم فاقد آن است. نکته دیگر این که مترجم نظریه و تفسیر خود را تنها تفسیر و تلقی حقیقی دانسته است. به همین دلیل در مواردی نشان داده خواهد شد از اصول لفظی و ادبی نیز عدول کرده است تا بتواند از همان نظر خود دفاع کند. با عنایت به این امور، چند نکته در نقد و ارزیابی مقدمه و متن این ترجمه ذکر می شود:

۱) مترجم در بیان انگیزه های ترجمه ادعا کرده که تمام ترجمه های موجود به بخشی از زیبایی و شگفتی ها و معارف نهج البلاغه منحصر شده است؛ یکی با جاذبه های ادبی قلم زده، دیگری در حدود الفاظ باقی مانده و برخی نیز ترجمه و تفسیر را درهم آمیخته اند. به فرض درست بودن نظر مترجم باید سوال کرد که آیا امکان دارد که ترجمه ای پدید آید که بدون هیچ کاستی و نقصی تمام مزایا و ویژگی های عالی را داشته باشد؟ حقیقت آن است که اگر کسی چنین ادعایی داشته باشد مسلماً از مفهوم ترجمه درک کاملی ندارد. آیا این ادعا به معنای پایان یافتن عصر ترجمه در باب نهج البلاغه نیست؟ در حالی که اساساً به تناسب تغییرات فرهنگی و ادبی جوامع باید ترجمه های جدید از متن دینی و غیردینی ارائه شود. چرا که بنا بر برخی



می‌کند در حالی که اگر در حوزه جامعه‌شناسی و دین‌شناسی معاصر تخصصی داشت قطعاً این خطبه را خطبه‌ای دینی و جامعه‌شناختی می‌دانست. این خطبه به هیچ وجه حاوی مطلب تاریخی یا سیاسی نیست و موضوع اعتقادی آن نیز در بطن دعا مطرح شده است (بنگرید به خطبه ۲، ص ۳۵). خطبه چهارم، خطبه اعتقادی - سیاسی دانسته شده است در حالی که به جایگاه اهل بیت در هدایتگری معنوی مردم (مسلمانان) اختصاص دارد (بنگرید به: ص ۴۱).

این گونه ناهماهنگی‌ها به کرات در این ترجمه وجود دارد. اما مترجم، انتخاب‌های خود را قطعی دانسته و مدعی ترجمه‌ای فراگیر شده است. ادعای مطلق‌گرایی به نادیده گرفتن ابعاد فکری گوناگون می‌انجامد و خواننده حداقل انتظار خود را حاصل نخواهد کرد. در حالی که اگر متواضعانه برخورد کنیم و خود را در یک حوزه مشخص بدانیم دست کم در همان حوزه موفق خواهیم شد. در باب ترجمه‌ها باید گفت که ترجمه نهایی هیچ وقت یافتنی نیست، بلکه در هر دوره باید متن را به زبان رایج برگرداند. اشکالات ترجمه‌ای این متن به قرار زیر است:

۱) ترجمه عناوین مطالب و موضوعات. در بسیاری موارد، ترجمه معادل‌های عناوین با واژگان عربی سازگاری ندارد و در مواردی نیز از نظر ادبیات فارسی کاملاً اشتباه است و مترجم براساس ادبیات عرب معادل‌های فارسی را آورده است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: در خطبه ۱۷۸ عنوان عربی «الحذر من الدنيا»، «روش بر خورد با دنیا» ترجمه شده است که اساساً معادل با آن نیست. در خطبه ۱۷۳ نیز چنین آمده است: التحذیر من الدنيا = شناخت دنیا.

عدم آشنایی عمیق مترجم با ادبیات فارسی به اشتباهات زیادی منجر شده است. از جمله عبارت: «التحذیر عن حب الدنيا» در خطبه ۱۱ «هشدار از دنیاپرستی» ترجمه شده است. یعنی براساس قواعد زبان عربی از حرف اضافه «از» برای کلمه هشدار استفاده شده در حالی که در زبان فارسی حرف اضافه «به»، «در باره» یا «نسبت به» برای کلمه هشدار به کار می‌رود. روشن است که مترجم حتی به معانی مختلف

دریافت کند (ص ۹) در این که مباحث مقدماتی رایج در حوزه‌های علمیه برای ترجمه نهج البلاغه لازم است شکی نیست اما هرگز کافی نیست. باید پرسید که آیا برای ترجمه نهج البلاغه تنها مباحث اصولی لازم است و آیا توجه دقیق به ادبیات فارسی و فلسفه زبان و نظریه مؤلف در یک متن مقدس، ضروری نیست؟

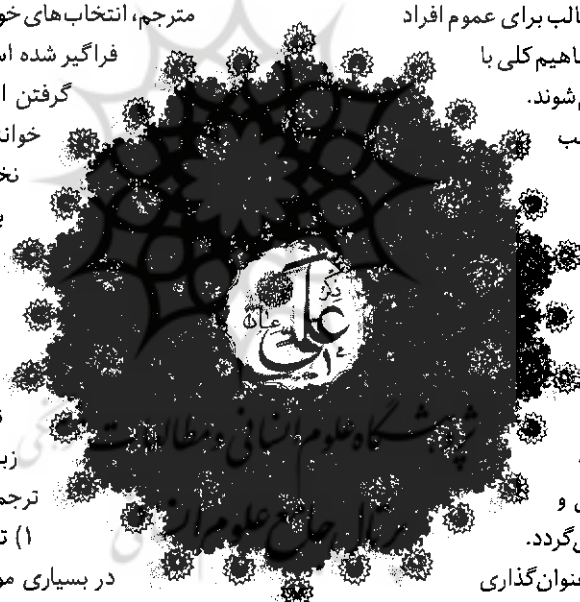
نکته دیگر که در مقدمه ذکر شده است عنوان دادن به مطالب است: «برای استفاده عموم مراجعه‌کنندگان به سخنان علوی، سعی کردیم تا مفاهیم و مباحث نهج البلاغه را در قالب ۲۷۳۰ عنوان کلی و زیبا تقدیم داریم؛ زیرا عنوان زدن صحیح مطالب برای عموم افراد میسر نیست، و برخی در تطبیق مفاهیم کلی با مباحث نهج البلاغه دچار مشکل می‌شوند.

عرضه مباحث نهج البلاغه در قالب عناوینی زیبا و گویا، مراجعه‌کنندگان را دریافتن مطالب دلخواه یاری می‌دهد و کار مطالعه و استخراج مفاهیم ارزشمند نهفته در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها را آسان می‌سازد».

درباره این ویژگی ترجمه باید اضافه کنیم که چنین کاری فی‌نفسه مفید و راهگشاست اما به نگرش و سلیقه مترجم یا انجام‌دهنده آن برمی‌گردد. به عبارت دیگر موضوع‌بندی و عنوان‌گذاری کاملاً تحت تأثیر سلیقه و تخصص مترجم خواهد بود. از

این روست که عنوان‌ها و موضوعات تحت تأثیر نگرش کلامی و مدافعانه مترجم قرار گرفته است. برای مثال، موضوع نامه ۱۲۶ اخلاق - اقتصادی دانسته شده در حالی که با نگاه دقیق‌تر موضوع این نامه اخلاقی - اجتماعی است نه اقتصادی (بنگرید به نامه ۲۶، ص ۳۶۹). خطبه ۱۴۹ اخلاقی دانسته شده است در حالی که اگر مترجم با دین‌شناسی به معنای جدید و عرفان عاشقانه آشنایی داشت قطعاً عبارت: اما وصیتی: «فالله لا تشرکوا به شیئاً و محمداً (ص) فلا تضیعوا سنته، اقیموا هذین العمودین»، را اعتقادی و بلکه دین‌شناختی می‌دانست و این سؤال را مطرح می‌کرد که چگونه می‌توان آن را در هر عصری زنده نگه داشت.

مترجم، خطبه دوم را در رده اعتقادی، تاریخی و سیاسی رده‌بندی





دیگری بودند. به نظر می‌رسد مرحوم دشتی متن عربی را با دقت مطالعه نکردند و بر اساس رأی و استنباط شخصی ترجمه کردند و نتیجه‌ای مخالف نظر امام گرفتند برای توضیح بیشتر متن عربی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

«لعمری لئن کانت الامامه لا تنعقد حتی یحضرها عامه الناس فما الی ذلک سبیل»، این عبارت امکان جمع شدن همه مردم در یک جا را منتفی می‌کند؛ اما به معنای آن نیست که انتخاب رهبر را به عهده خبرگان بگذاریم، چنان‌که مرحوم دشتی چنین تصویری دارد.

«ولکن اهلها یحکمون علی من غاب عنها» ولی اهل آن (افراد شایسته و به تعبیر دشتی خبرگان) بر کسی که غایب است حکم می‌رانند. معلوم می‌شود که حکم خبرگان تنها بر افراد غایب نافذ خواهد بود نه بر همه مردم.

متأسفانه در ترجمه دشتی از این موارد زیاد است، اما فقط به ذکر نمونه‌هایی اکتفا می‌کنیم تا خوانندگان محترم به ویژه مسئولان فرهنگی بدانند که ترجمه حاضر به رغم ادعای مترجم در برگردان درست فرمایشات علی (ع) چندان هم موفق نبوده است.

۳) کاربرد نادرست اصطلاحات انگلیسی. مترجم از اصطلاحات انگلیسی در ذیل خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها استفاده کرده است چند نکته در این باب قابل ذکر است:

آیا اساساً چنین کاری ضرورت دارد؟ آیا معادل دانستن اصطلاحات عصر جدید با بیانات حضرت علی (ع) در هزار و چند صد سال پیش، مناسب است؟ به علاوه، اساساً آیا امکان دارد با بهره‌گیری از نظریات علی (ع) نظریه جدیدی را که در آن عصر هیچ نام و نشانی از آن نبوده است، نقد کنیم.

۲- مترجم محترم گاه این اصطلاحات را بدون مناسبت و موضوعیت به کار برده است. برای نمونه، در یکی از پاورقی‌ها در ذیل این سخن حضرت علی (ع): «چرا آن‌گونه که به دیگران رحم می‌کنی به خود رحم نمی‌کنی؟»، این پاورقی آمده است: «این رهنمود امام (ع) ثابت می‌کند که انسان باید در پرتو وحی الهی و عمل به دستورات خداوند بزرگ به کمال واقعی برسد. پس خود اصالت ندارد که هر چه بخواهد انجام دهد. چون خود را نمی‌شناسد و انسان موجودی ناشناخته است نمی‌تواند خود دستورالعمل زندگی (کاتالوگ Catalogue) بنویسد پس اومانیزم (Humanism) و اگزیستانسیالیسم (Existentialism) نمی‌توانند صحیح باشند.» (ذیل خطبه ۲۲۳، ص ۳۳۲).

چند اشکال به این پاورقی وارد است اولاً معنای عبارت «پس خود اصالت ندارد» مشخص نیست. این در حالی است که علی (ع) در این

حرف عن، من نیز توجه نکرده و دچار چنین اشتباهی شده است.

۲) ترجمه‌ها، مترجم در مواردی در برگردان متن نیز دچار خطاهایی شده است. برای نمونه عبارتی از خطبه ۱۷۳ را می‌آوریم و ترجمه آن را با ترجمه‌های دیگر مقایسه می‌کنیم تا معلوم شود که مترجم به رغم ایراداتی که به ترجمه‌های پیشین گرفته است نه تنها خود نتوانسته آن نقائص را برطرف سازد بلکه از ترجمه‌های پیشین نیز بهره نبرده است: «ولعمری لئن کانت الامامه لا تنعقد حتی یحضرها عامه الناس فما الی ذلک سبیل ولکن اهلها یحکمون علی من غاب عنها ثم لیس للشافه ان یرجع و لا للغائب ان یختار» مرحوم دشتی این‌گونه ترجمه کرده است: «به جانم سوگند! اگر شرط انتخاب رهبر، حضور تمامی مردم باشد هرگز راهی برای تحقق آن وجود نخواهد داشت، بلکه آگاهان دارای صلاحیت و رأی، و اهل حل و عقد (خبرگان ملت) رهبر و خلیفه را انتخاب می‌کنند، که عمل آنها نسبت به دیگر مسلمانان نافذ است، آنگاه نه حاضران بیعت‌کننده، حق تجدیدنظر دارند و نه آنان که در انتخابات حضور نداشتند حق انتخابی دیگر را خواهند داشت.»

ترجمه فیض الاسلام: «به جان خودم سوگند اگر امامت تا همه مردم حاضر نباشند منعقد نگردد هرگز صورت نخواهد گرفت ولی کسانی که اهل آن هستند بر آنان که هنگام تعیین امامت حاضر نیستند حکم می‌کنند و آن که غایب بوده نباید (دیگری را) اختیار کند.» (فیض الاسلام، خ ۱۷۲، ص ۵۵۹)

ترجمه حسین توفیقی: «به جان خودم سوگند که هرآینه اگر امر امامت جز با حضور عموم مردم انعقاد نیابد، راهی برای رسیدن به چنین چیزی وجود نخواهد داشت لیکن کسانی که شایستگی انعقاد آن را دارند، درباره آنها که حضور ندارند، حکم می‌کنند و تصمیم می‌گیرند، آن‌گاه آن کس که حاضر بوده حق برگشتن از این حکم را ندارد و آن که غایب بوده حق برگزیدن دیگری را ندارد.» (خ ۱۷۱، تهران، صبا ۱۳۷۴، ص ۳۲۲)

ترجمه علی شیروانی: «به جانم سوگند اگر امامت جز با حضور همه مردم صورت نیندد، راهی برای تحقق آن نخواهد بود. بلکه افراد شایسته کسانی را که هنگام تعیین رهبر غایب بوده‌اند به پذیرش آن وا می‌دارند. پس نه آن که حاضر بوده حق بازگشت دارد و نه آن که غایب بوده حق انتخاب» (خ ۱۷۳، قم، دارالعلم، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶).

آنچه در مقایسه این ترجمه‌ها با ترجمه دشتی به دست می‌آید این است که از نظر دشتی انتخاب با شورای حل و عقد (خبرگان) است در حالی که در ترجمه‌های دیگر، حق انتخاب از آن عموم مردمی است که در جلسه انتخابات حاضر شده‌اند و تنها وظیفه اهل حل و عقد، ساکت کردن افراد قلیلی غایب در جلسه یا حاضرینی است که در فکر انتخاب

است برای اقدامات دیگر در شناسایی مطالب نهج البلاغه. مزیت دیگر این ترجمه، روان بودن آن است که به رغم کاستی‌های نسبی، خواننده از خواندن جملات فارسی احساس خستگی نمی‌کند. در اینجا باید از اشکالات و ایرایشی زندگینامه نویس این ترجمه انتقاد کرد که به هیچ وجه شایسته مترجم زحمت‌کش آن نیست. مزیت دیگر این ترجمه ضمایم بسیار مفید آن است: فهرست موضوعی مفصل، که به صورت الفبایی و با ذکر شماره صفحات هر موضوع ذکر شده است؛ آوردن جدول تطبیقی مطالب نهج البلاغه با سایر نسخه‌ها با ذکر عبارات‌های آغازین هر خطبه، نامه و حکمت. گفتنی است که مطالب این نهج البلاغه با ۱۹ نسخه دیگر مطابقت داده شده است.

توضیحات لازم و مفیدی که در پاورقی آمده است از دیگر مزایای این ترجمه محسوب می‌شود. ضمن اینکه مرحوم مترجم وازگان نهج البلاغه را نیز مورد توجه قرار داده و به بررسی آنها پرداخته است. تقسیم‌بندی و عنوان‌بندی مفاهیم نهج البلاغه و ذکر موارد آن نیز مزیت دیگر این ترجمه محسوب می‌شود. به علاوه امروزین بودن ترجمه به ارزش آن افزوده است و باعث شده تا مترجم مفاهیم نهج البلاغه را به گفتمان عصر جدید وارد کند و خوانندگان با چنین فضایی آشنا شده به درک مفاهیم نهج البلاغه و تطبیق آنها با عصر جدید نایل آیند. بر همه آنچه گفته شد باید این نکته را نیز افزود که مترجم نکات تاریخی بسیار مفید، بیان شأن نزول سخنان علی (ع)، ذکر اختلاف نسخ، آوردن موضوعات کلی مطالب، مشخص کردن مخاطبان عام و خاص امام، تفسیر عام و خاص و مطلق و مفید، تبیین اهداف امام (ع)، آوردن اشعار مناسب و ذکر آمار و ارقام مرتبط در حاشیه ترجمه آورده است که در جای خود بسیار مفید و ارزشمند است و لذا می‌توان این ترجمه را ترجمه‌ای همراه با حواشی و تفسیرهای مفید نامید.

خطبه در صدد اثبات «خود» و آگاه کردن انسان‌ها نسبت به این «خود» است. اساساً بدون توجه به خود هیچ چیز ارزش واقعی پیدا نمی‌کند. ثانیاً مترجم چگونه از اصالت نداشتن خود، و عدم شناخته شدن انسان به این نتیجه رسیده است که او مانسیم و اگزستانسیالیسم صحیح نیست؟ آیا این مکاتب در این یک جمله مترجم خلاصه می‌شود که با اثبات آن از میان بروند؟

بدون این که بخواهیم درباره این مکاتب نکته‌ای اضافه کنیم باید اشاره کنیم که دلیل مترجم در اثبات «صحیح نبودن» این مکاتب هیچ وجهی ندارد. ثالثاً کاتالوگ چه ربطی به دستورالعمل زندگی دارد و چه لزومی دارد که در اینجا ذکر شود. آیا این اصطلاح واقعاً واژه‌ای است که قابل ترجمه نیست که مترجم ذکر آن را ضروری دانسته است؟ حقیقت آن است که این کاربردهای ناصحیح به غایت زیاد است و اغلب نیز بی‌وجه به کار رفته است (بنگرید به: ص ۳۳۹)

واقعیت آن است که دفاعیات مترجم از بیانات امام علی (ع) نه تنها کمکی به فهم بیشتر آنها نمی‌کند بلکه در مواردی خواننده را از موضوع اصلی منحرف می‌سازد. از این رو لازم است خوانندگان فرمایشات علی (ع) را با عنایت به فحوای خطبه‌ها مورد مطالعه قرار دهند. مترجم در ذیل عبارت «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛ بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید.» (نامه ۳۱) نوشته است: «تأیید آزادی انسان در پرتو دین و نقد دموکراسی (Democracy) یا لیبرالیسم (Liberalism) که ادعای آزادی بی‌قید و شرط دارند» (ص ۲۸۶). تا جایی که نگارنده اطلاع دارد در دموکراسی یا لیبرالیسم نیز آزادی قید و بندی دارد اما قید و بندهای مطرح در آنها با قید و بندهای اسلام متفاوت است. پس اختلاف در نوع قید و بند آزادی است نه در وجود یا عدم آنها. به علاوه در این عبارت علی (ع) تأکید شده است که خداوند انسان را آزاد قرار داده است نه بنده؛ و درباره نوع آزادی نیز بحثی نشده است.

در جمع‌بندی نهایی باید اضافه کرد که ترجمه حاضر نیز همانند ترجمه‌های دیگر دارای مزایا و معایبی است. اما از آنجاکه در بسیاری از مراکز فرهنگی از این ترجمه استفاده می‌شود لازم بود کاستی‌های آن مورد توجه قرار گیرد تا خوانندگان تصور نکنند که هر چه در این ترجمه آمده است عین سخن علی (ع) است بلکه این ترجمه نیز همانند سایر ترجمه‌هاست و باید با دقت مطالعه شود.

از مزایای این ترجمه به فهرست‌بندی مطالب می‌توان اشاره کرد که مترجم تمام مطالب نهج البلاغه را تقسیم‌بندی کرده است هر چند که کاستی‌های قابل ملاحظه‌ای نیز دارد. اما در عین حال سرآغازی

